

گلوبالیزم و مسابقه تسلیحاتی

۲



در بحث گذشته در باره گلوبالیزم، تسلیحات و همچنان مبدأ جنگها در جهان امروزی و اینکه چگونه تروریسم در اخیر سده بیست و آغاز سده بیست و یک ظهور و به یک "زخم بیدرمان" مبدل گردیده است، مکث کردیم.

واقعیت چنین است که امپریالیسم جهانی با پیاده نمودن سیاست نیولیبرال سرمایه‌داری اولاً برای اغوا نمودن مردم شان به وسائل دروغین متوسل میشود و از جانب دیگر با استفاده از نازل بودن سطح آگاهی عمومی مردم کشورهای تحت اشغال و منطقه عملیاتی، از آن وسائلی استمداد میجوید که در عقب پرده احساسات ملی، عنعنوی و مذهبی مردم را بر انگیزد و در ظاهر خود را حامی آن ارزش جا زند. حال آنکه در اصل کاملاً در ضدیت با آن عمل میکند و بوسیله سرازیر ساختن پول خود را ناجی و حمایتگر بحساب میآورد.

مطلب دیگری که درین راستا صدق میکند اینستکه زرادخانه های تولید سلاحهای کشنده و مرگبار چه امکانات وسیعتری برای امتحان کردن سلاحهای شان دارند تا بتوانند در عمل مؤثریت و مشخصات سلاح را مسجل سازند. آنان این تسجیل را نه در لابراتوارها، بلکه بطور زنده در جوامع مظلوم بشری مستقیماً در میان انسانها اشتهار می نمایند که یوگوسلاویای سابق، عراق، پاکستان و افغانستان مثالهای غیر قابل انکار آنست.

بیاد بیاوریم جنگ جهانی دوم را که ایالات متحده و همدستان، اولین بم اتومی را به امتحان بستند و سیادت شانرا به جهان افزارسازی جنگی با قتل میلیونها انسان در ناگازاکی و یوریشیما

جشن گرفتند. و اینبار هم طور دیگری نیست جورج بوش بارها از استعمال بم اتمی کوچک صحبت میکرد که شاید هم ادامه دهنده گان میراث شوم اینمرد آنرا به واقعیت نزدیک سازند، زیرا خصوصیت سیستم سرمایداری منحصر به فرد نیست و دساتیر را زرادخانه های تولید سلاح و مراکز مالی این سیستم صادر میکنند.

مروری بر ساختار بودجه در کشورهای سرمایه بخصوص اروپای کهن و ایالات متحده آمریکا نشان میدهد که روز تا روز کاهش قابل ملاحظه رونما میگردد و برخلاف در بودجه و مخارج نظامی کشورهای جدیدالورود به "خانواده" سرمایه جهانی چون برازیل، هندوستان و یا چین تزئید را گواه است. گذشته ازین ساختار های نظامی کشورهای مادری سرمایه به طرف اجیر شدن تمایل مییابند.

که اینها همه و همه گام بزرگی بطرف کشانیدن جهان به ملیتاریزم کاملاً عیار و در ضدیت با همه نورمهای دموکراسی و صلح طلبی است و اما آنچه درخور تشویش شدید تر است، اینستکه از کشوریکه تا امروز دو جنگ جهانی آغاز یافته است، در بغرنج ترین و متشنج ترین وضع سیاسی جهان که ناتو- امریکا در راه "تحکیم مواضع" شان در کلیه قاره های جهان در تلاش اند، آلمان فدرال برای مدت دو سال سمت عضویت دایمی شورای امنیت ملل متحد را بدست میآورد.

نظر ژرفی بر نقش سازمان ملل متحد و شورای امنیت آن در اواخر نزدیک میرساند که اصلاً این کانون به آله دست کشور های سرمایداری مبدل گردیده و شخص آقای بانکی مون (اگر انتخابات دور دوم ریاست جمهوری افغانستان را بیاد بیاوریم) مستقیماً بالای حقوق دموکراتیک مردم افغانستان خط بطلان کشیده، انتخابات را نهایی و آقای حامد کرزی را به حیث رئیس جمهور افغانستان اعلام کرد.

اکنون که جهان بطرف منفعت بریهای سرمایه تمایل دارد وظیفه همه سازمانها و نهاد های دموکراتیک و مردمی است تا هرگونه مداخله، تخطی و خودسری را از جانب هر کس، گروه، سازمان و یا نهادیکه باشد، افشاً نموده و بخاطر زدودن آن هوشیارانه عمل کنند.

پایان!